

حکمت خُلُقِ (قسمت اوّل)

هیئت نفسانی

Moral Wisdom (Part One)

Psychical Affection

محمدتقی دلخموش
دانشگاه آزاد اسلامی
واحد تهران جنوب

- اخلاق ناصری
- خواجه نصیرالدین طوسی
- تصحیح و تنقیح مجتبی مینوی - علیرضا حیدری
- انتشارات خوارزمی
- ۱۳۸۷، ۶۱۹ صفحه، ۳۳۰۰ نسخه، بها ۱۳۵۰۰ ریال

بسم الله الرحمن الرحيم

وهو ولي التوفيق

«به وقت مُقام قهستان در خدمت حاکم آن بقعه، مجلس عالی ناصرالدین . . . در اثنای ذکرى که می‌رفت از کتاب الطّهارة که استاد فاضل . . . ابوعلی مسکویه . . . در تهذیب اخلاق ساخته‌است، . . . با محرّر این اوراق فرمود که این کتاب نفیس را به تبدیل کسوت الفاظ و نقل از زبان تازی با زبان پارسی، تجدید ذکرى باید کرد، . . . معاودت فکر صورتى بگر بر خیال عرضه کرد، گفت: معانى بدان شریفی از الفاظی بدان لطیفی . . . سلخ کردن . . . عین مسخ کردن باشد، . . . و دیگر که هر چند آن کتاب مشتمل بر شریفترین بایبست از ابواب حکمت عملی اما از دو قسم دیگر خالی است، یعنی حکمت مدنی و حکمت منزلی، . . . پس اولی آنکه . . . مضمون قسمی که بر حکمت خُلُقِ مشتمل خواهد بود خلاصه معانى کتاب استاد ابوعلی مسکویه را شامل بود، مرتّب کرده آید و در دو قسم دیگر از اقوال و آرای دیگر حکما مناسب فنّ اوّل نمطی تقریر داده شود . . . بر او عرضه داشت، پسندیده آمد.»

آنچه آمد، عبارتهایی برگرفته از ذکر سببی است که باعث شد بر تألیف کتاب «اخلاق ناصری» خواجه نصیرالدین طوسی، به کوشش مجتبی مینوی و علیرضا حیدری تصحیح و تنقیح شده و توسط انتشارات خوارزمی در ۶۱۹ صفحه در نوبت ششم به چاپ رسیده است.

مروری بر اثر

کتاب شامل سه مقاله است. مقاله اول در تهذیب اخلاق که به دو قسم تقسیم شده: قسم اول در مبادی و آن مشتمل است بر هفت فصل و قسم دوم در مقاصد و آن مشتمل بر ده فصل است. و مقاله دوم در تدبیر منازل و آن پنج فصل است.

مقاله سیم در سیاست مدن و آن هشت فصل است. به انضمام، یادداشتی بر کتابی از بزرگ علوی، مقدمه‌ای از علیرضا حیدری در مورد شکل‌گیری طرح نشر کتاب و بحث نُسَخ، معرفی خواجه نصیرالدین طوسی و کتاب اخلاق ناصری از زبان مجتبی مینوی و آخرین یادداشت شادروان استاد مینوی درباره خواجه نصیر.

همچنین، مجموعه‌ای از فهرست‌ها و فرهنگ‌های ارزشمند به کتاب افزوده شده است: فهرست اشعار و مصراع‌های عربی، فهرست آیات و احادیث، فرهنگ لغات فارسی و جمله‌های عربی، فرهنگ اصطلاحاتی که در کتاب تعریف آنها آمده است، فرهنگ اصطلاحات (فارسی - انگلیسی)، فرهنگ اصطلاحات (انگلیسی - فارسی)، فهرست نام‌ها، فهرست الفبایی مأخذ و فهرست موضوع‌های کتاب.

خواجه نصیر و اخلاق ناصری

خواجه نصیرالدین طوسی (۵۹۷-۶۷۲ ه.ق.) عالم، متکلم، فقیه، ریاضیدان، منجم و سیاستمدار در توس زاده شد. از فرازهای سیاسی - اجتماعی زندگی وی، خدمت اسماعیلیان در قلعه الموت، سمت وزیری هولاکوی مغول و بودن در معیت وی در لشکرکشی به بغداد، تسخیر مرکز حکومت مسلمین و قتل معتصم خلیفه عباسی، قابل ذکر است. از تألیف‌ها و تصنیف‌هایی که خواجه نصیرالدین طوسی در حکمت و الهیات و اخلاق، فلسفه و منطق و ادبیات، ریاضیات، هیأت و نجوم، و طبیعیات داشته است، بالغ بر صد کتب و رسائل در دست است که اخلاق ناصری از برجسته‌ترین آثار اوست که عصاره و چکیده مباحث اخلاقی دوره اسلامی تا زمان وی است.

انتخاب کتاب *اخلاق ناصری* برای معرفی یک اثر روان‌شناختی، به دنبال نقد کتاب *احیاء علوم‌الدین* ابوحامد محمد غزالی (بررسی کتاب در شماره‌های ۲۲، ۲۳، ۲۴ این فصلنامه)، پی‌گیری آرای روان‌شناسی (شخصیت) اندیشمندان مسلمانی است که از خلال طرح مباحث اخلاقی به استنتاج رگه‌های خُلُق‌ی دست یازیده‌اند.

کتاب *اخلاق ناصری* پس از گذشت دو قرن از آثار ابوعلی سینا، ابوعلی مسکویه و ابوحامد غزالی، بیانگر تأکید و تصریح بر حکمت عملی در حوزه جمعی (تدبیر منازل و سیاست مدن) و تکرار و مرور آرای گذشتگان در حکمت عملی در حوزه فردی (تهذیب اخلاق) است. آنچه‌انکه در مقاله اول کتاب اخلاق ناصری (تهذیب اخلاق) در شروع مباحث، خواجه از این عبارتها بهره می‌گیرد: روشن شده است، . . مقرر شده است، . . بر حسب آنچه حکما گفته‌اند.

در کتاب *اخلاق ناصری*، مقاله سوم که در مورد مدنیت و سیاست است، شایسته تحلیل در قلمروهای علوم سیاسی و علوم اجتماعی است. مقاله دوم کتاب که در باب سیاست و تدبیر همسر (زن) و اولاد است، درخور بحث در حوزه روان‌شناسی تربیتی است. اما مقاله اول (تهذیب اخلاق: مبادی و مقاصد)، که به طرح مبحث نفس انسانی، قوای نفسانی و فضایل و رذایل اختصاص یافته، مناسب بررسی در حیطه روان‌شناسی شخصیت، به منزله الگویی از نظریه قواست.

همچنانکه گفته شد، خواجه نصیر در کتاب اخلاق به تکرار آرای گذشتگان (الطهاره ابوعلی مسکویه، که روایت و برگردانی است از اخلاق ارسطو) اکتفا می‌کند. هرچند این اثر در پی گرفتن یک دید تحلیلی و پیروی از روش نظامدار مطالعاتی به پای *احیاء علوم‌الدین*، نمی‌رسد و در قیاس با آن کم بنیه‌تر است. سبک ادبی دشوار و همراه با پیرایه‌ها و صناعات ادبی به ارج آن نمی‌افزاید.

در اخلاق ناصری فهرستی از رگه‌های خلقی در ذیل چهار مؤلفه (فضیلت‌های چهارگانه) گرد آمده‌اند. مؤلفه‌ها و رگه‌های مرتبط با آنها شاخص موقعیت بهینه خلقی (اعتدال) هستند، که در دو سرحد شدت بروز رگه (افراط و تفریط)، به منزله انحراف و ردیلت تلقی می‌شوند.

شرح مختصر اثر در مقاله اول

هیأت نفسانی

خواجه نصیر پس از تقسیم‌بندی‌های معمول از حکمت و حکمت عملی، به بحث علم نفس می‌پردازد: پس موضوع این علم نفس انسانی بود از آن جهت که ازو افعالی جمیل و محمود یا قبیح و مذموم صادر تواند شد به حسب ارادت او و چون چنین بود اول باید که معلوم باشد که نفس انسانی چیست و غایت و کمال او در چیست و قوت‌های او کدام است. بعد نتیجه می‌گیرد که نفس، "خودی خود" است که نه جسمانی است و نه محسوس، بل که جوهریست قایم به ذات خویش.

بعد، در تقسیم‌بندی نفس به نفس نباتی، نفس حیوانی، نفس انسانی و قوت‌های آنها، قوت نطق را قوت نفس انسانی می‌شمرد که؛ قوت ادراک بی‌آلت و تمیز میان مُدَرَکات باشد. دو قوت شهوی و غضب که به اشتراک با حیوانات است. قوت شهوی، که مبدأ جذب منافع و طلب ملاذ از ماکل و مشارب و . . . و قوت غضبی، که مبدأ دفع مضار و اقدام به احوال و شوق تسلط و . . . محل آنها را هم در بدن مشخص می‌کند: دماغ، دل و جگر. به تبع این سه قوت، به سه نفس قائل است: نفس ملکی، نفس سبعی و بهیمی که نفس اول صاحب ادب است، نفس دوم قابل ادب و نفس سوم عادم ادب است. در قرآن مجید این سه نفس تحت عنوان نفس مطمئنه، نفس لؤامه و نفس اماره آمده‌اند.

تعامل سه قوت را در هیأت نفسانی مطرح می‌کند که با تدبیر نفس ملکی اتحاد آن دو نفس دیگر لازم می‌آید، اما اگر تدبیر به کار نیاید، تنازع و تخالف پدید آید. . . به انحلال و هلاکت هر سه، . . . که معنی فسق همین است، . . . که کفر عبارت از آنست، . . . که ظلم بحقیقت همان است.

در شرح شرف رتبت انسان، مراتب کمال انسانی را بر مدارج نفوس نباتی، حیوانی و انسانی مورد بحث قرار می‌دهد و چنین نتیجه می‌گیرد، از آنجا که انسان در فطرت در مرتبه وسطی میان مراتب از مرتبه اعلی تا مرتبه ادنی افتاده، باید که به ارادت و به واسطه تهذیب و تأدیب و تعلیم، با اکتساب فضایل و اجتناب از رذایل، با حاکمیت قوت نطق و مهار قوای شهوی و غضبی، به اعلی مرتبه وجود که اتصال به عالم اشرف و در نهایت وصول به مقام وحدت و رسیدن به جوار رب العالمین و یافتن شرف مشاهده جلال او در نعیم مقیم است، نایل شود. که جز این رفتن به سوی هلاکت ابدی و شقاوت سرمدی است. اینست بیان کمال و نقصان نفس و سبب اینکه آدمی خیر و سعید یا شریر و ثقی شود.

در باب خیر و سعادت که غایت کمال جویی انسان است، آرا ارسطو را در کتاب اخلاق مرور می‌کند، اول مراتب فضایل که آن را سعادت نام کرده‌اند آنست که مردم ارادت و طلب در مصالح خویش اندر این عالم محسوس و امور حسّی که تعلق به نفس و بدن دارد . . . اعتدال نگه دارند. . . پس مرتبه دوم، که ارادت و همت . . . به مقتضیات حسّی التفاتی نمایند، مگر آنچه ناگزیر و ضروری بود. . . آخر مراتب فضیلت آن بود که افعال مردم الهی محض شود و افعال الهی خیر محض بود.